

# پابند به جای زندان؛ تحولی در قانون مهریه

قانون جدید مهریه امکان پرداخت تدریجی را فراهم می‌کند و هدف از آن، کاهش زندانیان مهریه است، اما کارشناسان هشدار می‌دهند ممکن است حقوق زنان بدون حمایت قانونی آسیب ببیند

این زمینه، ضروری است که قوانین تکمیلی و سازوکارهای اجرایی دقیقی برای محافظت از حقوق زنان وجود داشته باشد، از جمله جلوگیری از معامله صوری اموال و فرار از پرداخت مهریه که بخش‌هایی از قانون فعلی به آن توجه کرده است.

یکی از نکات مهم در اصلاح قانون مهریه، توجه به حقوق زنان است. با کاهش سقف کیفری، اگر سازوکارهای حمایتی و نظارتی کافی فراهم نشود، ممکن است حق قانونی زنان نسبت به دریافت مهریه به‌طور کامل تضمین نشود. از این منظر، قانونگذار باید تمرکز ویژه‌ای بر تضمین عدالت جنسیتی داشته باشد و اطمینان دهد که زنان در ازدواج از حقوق برابر با مردان برخوردارند، همان‌طور که اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی تصریح کرده است.

اگرچه اجرای قانون جدید مهریه می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر جامعه داشته باشد، اما عدم توجه کافی به حقوق زنان می‌تواند تبعات منفی داشته باشد. زنان ممکن است در فرایند اجرای مهریه با تأخیر، فشار اقتصادی یا حتی بی‌عدالتی مواجه شوند؛ به‌ویژه در شرایطی که مشاوره قضایی و نظارت بر اجرای قانون ناکافی باشد. به همین دلیل، همراهی نهادهای قضایی، مدنی و اجتماعی ضروری است تا تضمین شود کاهش زندان به معنای کاهش حقوق زنان نباشد.

## ارزیابی نهایی قانون جدید

قانون جدید مهریه با هدف کاهش زندان و حمایت از جامعه تصویب شده است، اما همچنان پرسش‌هایی درباره اثرات آن بر زنان، مردان و جامعه به‌طور کلی باقی است. اصلاحات اخیر در این قانون اگرچه فشار زندان را کاهش می‌دهد، اما بدون سازوکارهای حمایت قانونی و نظارت دقیق، ممکن است امنیت حقوقی زنان را تهدید کند. دیدگاه بسیاری از فعالان حقوق زنان نشان می‌دهد که اصلاحات موجود بیشتر به نفع مردان است و نگرانی‌ها درباره حفظ حقوق اولیه زنان افزایش یافته است. از سوی دیگر، بر مبنای اصول قانون اساسی، زن و مرد باید از حقوق برابر برخوردار باشند و قانون‌گذار باید در اصلاحات بعدی تمرکز ویژه‌ای بر تضمین برابری حقوق در ازدواج، از جمله مهریه، داشته باشد.

در نهایت، اجرای موفق این قانون نیازمند همراهی جامعه، نهادهای قضایی و خانواده‌ها است تا هم کاهش زندان و فشار اجتماعی تحقق یابد و هم حقوق قانونی و امنیت مالی زنان به‌طور کامل حفظ شود. تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود که اصلاح قانون مهریه به نفع تمام اعضای جامعه، به ویژه زنان باشد و عدالت جنسیتی در ازدواج تقویت شود.

## تغییرات قانون مهریه

مهم‌ترین تغییرات قانون جدید مهریه شامل کاهش سقف کیفری از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه و جایگزینی پابند به جای زندان برای افرادی است که توان پرداخت ندارند. این سقف با احتساب قیمت روز طلا و سکه، رقمی بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون تومان ارزش دارد و در نتیجه برای بسیاری از مردان همچنان فشار اقتصادی ایجاد می‌کند. نقاط قوت قانون جدید قابل توجه است. کاهش زندان‌های ناشی از مهریه فشار روانی و اجتماعی بر مردان را کاهش می‌دهد، امکان پرداخت تدریجی مهریه به‌شرايط اقتصادی خانواده‌ها را تسهیل می‌کند و همزمان حق قانونی زنان برای مطالبه مهریه محفوظ می‌ماند. کاهش تعداد زندانیان مهریه همچنین موجب کاهش هزینه‌های عمومی سیستم قضایی و زندان‌ها می‌شود. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد. سقف جدید با ارزش ریالی بالا، هنوز برای بسیاری از مردان سنگین است و برخی کارشناسان نگرانند کاهش سقف کیفری ممکن است زنان را نسبت به دریافت کامل مهریه به‌دچار تردید کند و حس امنیت حقوقی آنان را کاهش دهد. در

شرایط خانواده‌ها وابسته بود. پس از انقلاب اسلامی و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، قوانین خانواده، مهریه را به یک الزام قانونی تبدیل کرد و دادگاه‌ها موظف به پیگیری آن شدند، اما هنوز محدودیت‌ها و سقف‌های کیفری کامل نبود و پرونده‌ها با مشکلات اجرایی متعددی روبه‌رو می‌شدند. با افزایش چشمگیر قیمت طلا و سکه در اوایل دهه ۹۰، مجلس سقف کیفری مهریه را ۱۱۰ سکه تعیین کرد تا هم حقوق زنان حفظ شود و هم از زندان رفتن افرادی که توان پرداخت مهریه ندارند، جلوگیری شود. اکنون پس از بیش از ۱۲ سال، اصلاحات جدیدی مطرح شده که سقف کیفری مهریه را به ۱۴ سکه کاهش داده و به جای زندان، از پابند برای افرادی که توان پرداخت ندارند، استفاده می‌کند. هدف این اصلاحات، کاهش فشار بر زندانیان و ایجاد فرصت برای پرداخت بدهی به صورت تدریجی است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد تلاش برای تعادل میان حقوق زنان و مردان و کاهش حواشی همواره محور قوانین مهریه بوده، اما هر تغییر قانونی با واکنش‌های گسترده اجتماعی و کارشناسی مواجه می‌شود، زیرا قانونگذار کمتر به موضوع عدالت جنسیتی توجه دارد.

قانون جدید مهریه که اخیراً توسط نمایندگان مجلس تصویب شد، هنوز به تأیید شورای نگهبان نرسیده و اجرایی نشده است؛ اما از زمان انتشار خبر تصویب، واکنش‌ها و حواشی گسترده‌ای پیرامون آن شکل گرفته و بحث‌ها همچنان ادامه دارد. هدف اصلی این قانون کاهش سقف کیفری مهریه و جایگزینی زندان با ابرازهای جایگزین است تا فشار روانی و اجتماعی ناشی از اجرای مهریه کاهش یابد. با این حال، پرسش مهم این است که در نهایت این قانون به نفع چه کسی خواهد بود؛ زنان، مردان یا جامعه به‌طور کلی؟ پاسخ به این سؤال ساده نیست و بررسی دقیق آن نیازمند نگاه تاریخی، اجتماعی و اقتصادی به این موضوع است.

## نگاهی به گذشته

تاریخچه قانون مهریه در ایران نشان می‌دهد این موضوع همواره یکی از پرچالش‌ترین مسائل حقوق خانواده بوده است. تا سال ۱۳۵۷، مهریه به عنوان تعهد مالی مرد نسبت به زن شناخته می‌شد، اما سقف کیفری مشخصی برای عدم پرداخت آن وجود نداشت و اجرا بیشتر به عرف و

“

## اصلاحات

## قانون مهریه

## باهدف

## کاهش فشار

## روانی مردان

## و هزینه‌های

## قضایی اجرا

## شده، اما

## تضمین امنیت

## مالی و حقوقی

## زنان بدون

## نظارت دقیق

## هنوز محل

## چالش است

## مهریه؛ تنها پشتوانه مالی زنان در معرض تهدید

قاضی بازنشسته در گفت‌وگو با آتی‌نو تأکید کرد کاهش مجازات‌های مهریه و تغییر سقف آن، احساس ناامنی مالی زنان را افزایش می‌دهد و راه‌حل ریشه‌ای برای عدالت اجتماعی نیست



چنین اصلاحی فرهنگسازی ایجاد نمی‌کند و احتمالاً در آینده نیاز به بازنگری دوباره پیدا خواهد کرد. پابند الکترونیکی هم صرفاً به معنای محدود شدن شعاع رفت‌وآمد محکوم است و در عمل تأثیر چندانی بر حفظ حقوق زوجه ندارد.

• **یکی از نگرانی‌ها در تغییر قانون عدم پرداخت مهریه است. شما در این باره چه نظری دارید؟**

مهریه در نظام حقوقی ایران از جمله «طلب‌های ممتاز» به شمار می‌رود؛ یعنی از نظر اولویت در پرداخت، در ردیف نخست و حتی هم‌سطح طلب‌های دولتی قرار دارد. با این حال، کاهش سقف تعداد سکه‌ها و محدود کردن مجازات‌ها می‌تواند تأثیر مستقیمی بر امنیت مالی زنان بگذارد. بسیاری از مردان در گذشته به دلیل ترس از زندان، خود را ملزم به پرداخت می‌دانستند، اما با حذف این الزام، احتمال سستی در انجام تعهدات بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، تعیین مهریه به‌های سنگین خود به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است؛ رقابت‌های بی‌مورد، چشم‌پوش‌چشمی‌ها و گاهی انگیزه‌های غیرواقعی باعث شده رقم مهریه در ازدواج‌ها از واقعیت فاصله بگیرد. در کنار آن، وضعیت نامطلوب زندان‌ها و هزینه‌های سنگینی که دولت برای نگهداری زندانیان متحمل می‌شود، بهانه‌ای برای توجیه این تغییرات قانونی شده است. اما چنین اصلاحاتی نمی‌تواند نگرانی زنان از تضییع حقوقشان را برطرف کند. قانون‌گذار باید هنگام تصمیم‌گیری، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جامعه را در نظر بگیرد. وقتی از عدد ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه می‌رسیم، بدون تکیه زمینه‌ها و شرایط اقتصادی و فرهنگی مردم لحاظ شود، نتیجه فقط ایجاد نارضایتی و اختلاف بیشتر است. این تصمیم‌ها می‌تواند پیامدهایی پیش‌بینی‌ناپذیر داشته باشد و احساس بی‌عدالتی را در جامعه افزایش دهد. برای بسیاری از زنان، مهریه تنها پشتوانه‌ای مالی در برابر بی‌ثباتی زندگی مشترک است. حذف ضمانت اجرایی آن، احساس ناامنی را گسترش می‌دهد؛ همان‌طور که در جامعه امروز حتی در

محمدحسین ساکت حسن، قاضی بازنشسته و مستشار پیشین دیوان عالی کشور و وکیل دادگستری، در گفت‌وگو با مادر باره اصلاح قانون مهریه و جایگزینی زندان با پابند الکترونیکی، به تحلیل ابعاد حقوقی و اجتماعی این تغییرات پرداخته و تأکید کرده است که این اقدام، مشکل ناامنی زنان را حل نمی‌کند و تنها تمرکز بر مهریه بدون توجه به سایر حقوق انسانی زنان کافی نیست. مهم‌تر اینکه باید قوانین در مورد مهریه متناسب به نیاز جامعه زنان بازنگری شود.

• **اصلاحات جدید قانون مهریه که مردان بدهکار را از زندان به پابند الکترونیکی منتقل می‌کند، چه تأثیری روی حقوق زنان خواهد داشت؟** افزایش آمار زندانیان مهریه در سال‌های اخیر باعث شده قانونگذار به دنبال راه‌هایی برای کاهش جمعیت زندان‌ها برود. همین مسئله زمینه‌ساز تصمیم تازه‌ای شده تا به جای زندان، از پابند الکترونیکی برای مردان بدهکار مهریه استفاده شود. هدف ظاهری، کاهش تعداد زندانیان و تخفیف فشار بر سیستم قضایی و زندان‌هاست؛ اما این تغییر از نگاه بسیاری از حقوق‌انان، راه‌حل ریشه‌ای برای مشکل مهریه نیست و می‌تواند پیامدهای اجتماعی و حقوقی گسترده‌تری در پی داشته باشد. در قوانین اسلامی، مجازات زندان به‌طور کلی یک حکم استثنایی به شمار می‌آید. حتی در فقه، در مواردی شلاق جایگزین زندان می‌شود. یکی از معهود مواردی که زندان در آن پیش‌بینی شده، زمانی است که فرد مدیون باشد و توان پرداخت دین خود را نداشته باشد. بنابراین افزایش پرونده‌های مهریه و زندانیان این حوزه، قانونگذار را به سمت محدود کردن مجازات زندان سوق داده است. اما این اقدام بیشتر به عنوان یک واکنش موقت به بحران شناخته می‌شود تا راه‌حلی اصولی.

در واقع نیت قانونگذار کاهش تعداد زندانیان است، اما از سوی دیگر، این تصمیم نمی‌تواند احساس ناامنی زنان نسبت به آینده زندگی مشترکشان را از بین ببرد.

یادداشت  
O P I N I O N



مینا جعفری

وکیل و فعال حقوق زنان

## مهریه و عدالت خانوادگی

در روزهای اخیر خبری منتشر شد که طبق آن مردان بدهکار مهریه می‌توانند به جای زندان، از پابند الکترونیکی استفاده کنند و در خارج از خانه حضور داشته باشند. این اقدام با هدف کاهش فشار بر زندان‌ها طراحی شده است، اما نگرانی‌ها درباره امنیت حقوق زنان افزایش یافته است. بسیاری از زنان معتقدند که این روش تضمینی برای دریافت کامل مهریه‌شان فراهم نمی‌کند و عملاً تنها محدود به حقوق مالی است که از ازدواج به دست آورده‌اند. تجربه نشان می‌دهد تمرکز قوانین بر مهریه، به جای سایر حقوق زنان، سبب کاهش امنیت حقوقی آنان شده است و این محدودیت می‌تواند تمایل دختران به ازدواج را کاهش دهد و حتی نارضایتی اجتماعی ایجاد کند. تحولات اخیر حقوق خانواده در ایران نشان می‌دهد که اصلاحات عمدتاً به مهریه محدود شده و حقوق دیگری مانند حق طلاق، حضانت و مشارکت واقعی در تصمیمات خانوادگی تقریباً تغییر نکرده است. در چنین شرایطی، مردان از حقوق گسترده‌ای برخوردارند، اما زنان تنها به دارایی مالی محدود می‌شوند که با ازدواج به دست آورده‌اند. جایگزینی زندان با پابند الکترونیکی نمی‌تواند مشکلات ساختاری را حل کند و بدون ایجاد تعادل میان حقوق زن و مرد، اصلاحات اقتصادی یا قضایی به تنهایی کافی نیست. دهه‌ها اصلاح قانونی، تمرکز خود را بر مهریه گذاشته و مسائل بنیادین عدالت خانوادگی همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند. این روند نشان می‌دهد که نگاه قانونگذار عمدتاً یک‌طرفه و محدود به مسائل اقتصادی است و کمتر به ساختار خانواده و عدالت اجتماعی توجه شده است. زمینه اقتصادی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بسیاری از اختلافات خانوادگی ریشه در مشکلات مالی دارد و اصلاح قوانین مهریه بدون توجه به شرایط اقتصادی زندگی مشترک، تأثیر واقعی نخواهد داشت. دولت مسئول ایجاد شرایطی است که خانواده‌ها از فشارهای مالی و اجتماعی آسیب نبینند. در غیر این صورت، زنان همچنان در معرض تهدید حقوق انسانی خود هستند و حتی حق مالی محدودشان نیز به خطر می‌افتد. محدود کردن حقوق زنان به مهریه، مغایر اصول فصل سوم قانون اساسی ایران است که بر برابری حقوق زن و مرد و احترام به نهاد خانواده تأکید دارد. اصلاحات قانونی بدون در نظر گرفتن مشاوره کارشناسان حقوق خانواده و جامعه‌شناسان، به‌ندرت اثرگذار بوده و می‌تواند مشکلات اجتماعی را تشدید کند. مقاومت هسته سخت قدرت سنتی نیز مانع اصلاحات مؤثر است. این گروه‌ها معمولاً نسبت به تغییرات اجتماعی واکنش منفی نشان می‌دهند و پذیرش اصلاحات دشوار می‌شود. قانونگذاران و مسئولان باید با واقعیت‌های روز جامعه آشنا باشند و قوانین را متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تدوین کنند. اصلاح قوانین مهریه باید هم امنیت مالی و حقوقی زنان را تضمین کند و هم به کاهش زندان مردان منجر شود. تنها در این صورت، زندگی مشترک با این باقی مانده و ساختار خانواده‌ها پایدار خواهد بود. نگاه جامع و کارشناسی به حقوق انسانی و عدالت اجتماعی پیش‌شرط موفقیت اصلاحات قانونی و تقویت زندگی مشترک است.